

سکولاریسم و رابطه آن با تحصیلات عالی

(مطالعه موردی جامعه شهری تهران)

هوشنگ ناییبی، تقی آزادارمکی

در این مقاله ابتدا نظریه سکولاریزاسیون بیشتر برگر تشریح می‌شود که مدعی است مدرنیزاسیون جوامع معاصر لزوماً به افول دین می‌کشد و سپس نظریه سکولاریزاسیون وی به میان می‌آید که تجدید نظری کامل در آرای اولیه وی بوده و بر آن است که جهان معاصر عمدتاً به اندازه گذشته جهانی مذهبی است، هرچند به دلیل تکثرگرایی اعتقادات راسخ تا حدی سست گشته است. آموزش علم (تحصیلات عالی) نیز به منزله دیدگاهی سکولار درباره جهان می‌تواند منجر به سکولاریزاسیون افراد شود. سپس با استنتاج فرضیه‌های آزمون‌پذیر به بررسی اعتبار تجربی آرای برگر در مورد ایران پرداخته می‌شود.

مفاهیم کلیدی: دین، سکولاریزاسیون، سکولاریزاسیون، مدرنیزاسیون، تکثرگرایی، تحصیلات عالی.

مقدمه

دین از ابعاد اساسی حیات اجتماعی است و نظریه پردازان کلاسیک جامعه‌شناسی نیز عموماً به نوعی بر اهمیت دین در جامعه تأکید ورزیده‌اند. تلاش آگوست کنت برای تأسیس دینی پوزیتیویستی بیانگر لزوم دین در جهان مدرن در نزد اوست؛ امیل دورکیم با کتاب *صور بنیادی حیات دینی* اهمیت کارکرد اجتماعی دین را نشان می‌دهد و ماکس وبر با کتاب *اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری* (۱۳۷۱) بر نقش دین در ظهور اقتصاد صنعتی مدرن تأکید می‌ورزد. با این‌همه، نظریه پردازان کلاسیک جامعه‌شناسی عموماً همسو با گرایش غالب عصر خود صریحاً

یا تلویحاً اهمیت دین در جامعه مدرن را رو به افول می‌دیدند. در نزد ماکس وبر، خصیصه اصلی جامعه مدرن گسترش کنش عقلانی معطوف به هدف است که تلویحاً به معنای کاهش عرصه کنش سنتی و کنش عقلانی معطوف به ارزش است که از ویژگی‌های حیات دینی است. تأکید دورکیم بر توسعه علم در جوامع ارگانیک نیز بر تضعیف دین در جامعه مدرن دلالت دارد: «دین فقط دستگاهی از اعمال و عبادات نیست؛ دین در ضمن دستگاهی از اندیشه‌ها است که موضوع آن تبیین کردن جهان است. ... اندیشه علمی چیزی جز شکل کامل‌تری از اندیشه دینی نیست. پس طبیعی به نظر می‌رسد که هر چه علم توسعه بیابد، اندیشه دینی بیشتر کنار برود چراکه اندیشه علمی برای شناسایی جهان و برآمدن از پس آن وظیفه آماده‌تر است» (دورکیم ۱۳۸۳: ۵-۵۹۳).

درواقع، پندار افول دین چند سده قبل، در عصر روشنگری، پا گرفت که تصور می‌شد با گسترش علم جهان‌بینی علمی (طبیعی) جای جهان‌بینی ماوراءالطبیعی (دینی) را می‌گیرد. با این‌همه، در دهه پنجاه و شصت قرن بیستم بود که نظریه افول دین تحت عنوان نظریه سکولاریزاسیون^۱ در کانون توجه نظریه‌پردازان قرار گرفت. از معروف‌ترین این نظریه‌پردازان پتر برگر است که از جامعه‌شناسان عمده حوزه دین است. به اذعان برخی (به‌عنوان مثال، وودهد، ۲۰۰۱) برگر کسی است که بیشترین سهم را در مطالعه دین در سطح نظری داشته است. اصول نظری برگر در کارهای اولیه او در دهه شصت و به‌ویژه در کتاب ساخت اجتماعی واقعیت (برگر، ۱۹۹۶) شکل گرفت که کتابی بنیادی در جامعه‌شناسی معرفت است و به کند و کاو و نشان دادن پیوند اعتقادات و واقعیت اجتماعی اختصاص دارد. برگر اصول نظریش در این کتاب را در اثر بعدی خود، تحت عنوان چتر مقدس (برگر، ۱۹۶۷) در قلمرو مذهب اعمال می‌کند. برگر در این کتاب نظریه سکولاریزاسیون خود را ارائه می‌دهد که مضمون آن این است که بین مدرنیزاسیون و سکولاریزاسیون پیوندی ذاتی وجود دارد، بدین معنا که اولی لزوماً منجر به دومی می‌شود. اما با خیزش جنبش‌های دینی در دو سه دهه آخر قرن بیستم مانند انقلاب اسلامی ایران، جنبش همبستگی در لهستان، طرفداری کلیسا از انقلابیون سان‌دیست نیکاراگوئه و دیگر نقاط آمریکای لاتین به‌مثابه تجدید حیات دینی، نظریه سکولاریزاسیون به چالش کشیده شد و نظریه‌هایی تحت عنوان سکولاریزدایی^۲ پدید آمد (کاسانوا، ۱۹۹۴، به نقل از کاظمی پور ۱۳۸۲: ۴). باز از برجسته‌ترین این نظریه‌پردازان پتر برگر است که با تجدید نظر در آرای قبلی خود، نظریه سکولاریزاسیون خود و دیگران را بر خطا

دانسته و جهان معاصر را همچون گذشته مذهبی می‌داند.

از این‌رو، با توجه به اهمیت رابطه مدرنیزاسیون و دین در جامعه‌شناسی و جایگاه مهم و مرجعیت پیتر برگر در این زمینه، این مقاله در صدد بررسی آرای وی (نظریه سکولاریزاسیون و سکولاریزدایی و نقش آموزش عالی در سکولاریزاسیون افراد) و اعتبار تجربی آن در مورد ایران است که طی چند دهه فرایند مدرنیزاسیون و خاصه گسترش باسوادی، تحصیلات عمومی و عالی را طی کرده است.

چارچوب نظری

نظریه سکولاریزاسیون

برگر سکولاریزاسیون را به مفهوم کلی جدایی حوزه‌های جامعه از حوزه دین تعریف می‌کند: «سکولاریزاسیون فرایند خارج شدن بخش‌های جامعه و فرهنگ از قلمرو نهادها و نمادهای دینی است» (برگر، ۱۹۶۷: ۱۰۷). در مورد جامعه و نهادها در تاریخ غرب مدرن، سکولاریزاسیون به صورت جدایی از حوزه‌هایی است که قبلاً در سلطه کلیسای مسیحی بوده است - مانند جدایی کلیسا و دولت یا سلب مالکیت از زمین‌های کلیسا یا جدایی آموزش از حوزه دین. وی سکولاریزاسیون را فرایندی دامن‌گستر می‌داند: «سکولاریزاسیون بر تمام حیات فرهنگی و اندیشه اثر می‌گذارد و می‌توان آن را در افول مضامین دینی در هنر، فلسفه، ادبیات و مهم‌تر از همه در ظهور علم به‌عنوان دیدگاهی مستقل و کاملاً سکولار درباره جهان دید (همان: ۱۰۷).

برگر معتقد است که سکولاریزاسیون نه تنها نهادهای جامعه و حوزه‌های فرهنگ، بلکه ذهنیت و اذهان افراد را نیز دربر می‌گیرد: «فرایند سکولاریزاسیون بعدی ذهنی نیز دارد. با سکولاریزاسیون جامعه و فرهنگ، ذهنیت نیز دستخوش سکولاریزاسیون می‌شود. به عبارت ساده، غرب مدرن افراد زیادی را به‌بار می‌آورد که به جهان و زندگی خود بدون تمسک به تفسیر مذهبی می‌نگرند» (همان: ۱۰۷-۸). بدین ترتیب سکولاریزاسیون دو وجهه مرتبط به هم دارد: یکی سکولاریزاسیون نهادی (یا به زبان برگر سکولاریزاسیون اجتماعی - ساختاری^۱) که به معنای جدایی نهادهای جامعه از قلمرو دین است و دیگری سکولاریزاسیون افراد (یا به زبان برگر سکولاریزاسیون ذهنیت^۲) که به معنای عدم تمسک افراد به تفسیر مذهبی در رفتار و پندار خویش است.

1. social-structural secularization

2. secularization of consciousness

برگر عامل اصلی سکولاریزاسیون را اقتصاد مدرن و سرمایه‌داری صنعتی می‌داند: «جایگاه اولیه سکولاریزاسیون حوزه اقتصاد خاصه بخش‌هایی از اقتصاد است که فرایندهای سرمایه‌داری و صنعتی شدن شکل داده است» (همان: ۱۲۹). از این‌رو، اقشار مختلف جامعه مدرن برحسب نزدیکی یا دوری از این فرایند به‌طور متفاوتی تحت تأثیر سکولاریزاسیون قرار می‌گیرند. اقشار بسیار سکولار در مجاورت بی‌واسطه این فرایندها به ظهور رسیده‌اند. به عبارت دیگر، جامعه صنعتی مدرن بخشی مرکزی پدید آورده که نسبت به دین قلمرویی آزاد است. سکولاریزاسیون از این بخش به سایر بخش‌های جامعه تسری یافته است (همان: ۱۲۹). بدین ترتیب با این‌که سکولاریزاسیون پدیده عام جوامع مدرن است، توزیع یکنواختی در درون آن‌ها ندارد و تأثیر سکولاریزاسیون بر گروه‌های مختلف یکسان نبوده است. به نظر برگر، یافته‌ها نشان می‌دهد که تأثیر سکولاریزاسیون بر مردان بیشتر از زنان است و بر افراد سنین میان‌سالی بیشتر از افراد بسیار جوان و بسیار مسن، بر شهرنشینان بیشتر از روستائینان، بر طبقاتی که مستقیماً با تولید صنعتی مدرن سروکار دارند (به‌ویژه طبقه کارگر) بیشتر از گروه‌های مشاغل سنتی‌تر (مانند صنعت‌گران یا مغازه‌داران کوچک) و بر پروتستان‌ها و یهودیان بیشتر از کاتولیک‌ها است و امثالهم (همان: ۱۰۸).

از نظر برگر، عامل مهم دیگر در سکولار شدن افراد (سکولاریزاسیون ذهنیت) تکثرگرایی است که خود ناشی از سکولاریزاسیون نهادی است. وی استدلال می‌کند که در بخش اعظم تاریخ انسان تشکیلات مذهبی به صورت انحصارات بودند - انحصار مشروعیت بخشی نهایی به حیات فردی و جمعی، نهادهای مذهبی جهان را تعریف می‌کردند و خارج شدن از جهانی که مذهب تعریف می‌کرد از سویی گام نهادن به تاریکی بی‌نظمی، بی‌هنجاری و احتمالاً جنون بود و از سوی دیگر مستوجب عقوبتی سخت: «مسیحیان بدون هیچ محدودیتی بر ضد غیرمعتقدان چه در بیرون از قلمرو خود (جنگ صلیبی با اسلام) و چه در درون قلمرو خود (شکنجه بدعت‌گذاران و کلیمیان) قوه قهریه به کار می‌بردند» (همان: ۱۳۶). اما سکولاریزاسیون نهادی انحصار مذهبی را از بین برده و منجر به تکثرگرایی می‌شود: «سکولاریزاسیون [نهادی] باعث زدودن انحصار سنت مذهبی می‌شود و به صرف همین واقعیت منجر به وضعیت تکثرگرا می‌شود» (همان: ۱۳۵).

ویژگی اصلی تمام وضعیت‌های تکثرگرا این است که نهادهای مذهبی دیگر نمی‌توانند وفاداری افراد را مسلم بگیرند. وفاداری داوطلبانه است و لذا فی‌نفسه قطعیت کمتری دارد. لاجرم سنت مذهبی که قبلاً می‌شد با تحکم تحمیل کرد، حالا باید به بازار عرضه شود. سنت مذهبی را

باید به مشتریانی فروخت که دیگر مجبور به خریدن نیستند. وضعیت کثرت‌گرا مخصوصاً یک وضعیت بازاری است. در این وضعیت نهادهای مذهبی مؤسسات بازاریابی می‌شوند و سنت‌های مذهبی متاع مصرفی. در این وضعیت هر نوع فعالیت مذهبی تابع منطق اقتصاد بازار می‌شود (همان: ۱۳۳). گروه‌های مذهبی از انحصارات به مؤسسات بازاریابی رقابتی تبدیل می‌شوند. قبلاً گروه‌های مذهبی به گونه‌ای سازمان می‌یافتند که در خور نهادی باشند که کنترل کاملی بر جمعیت پیروان‌شان دارند. حال گروه‌های مذهبی باید به گونه‌ای خود را سازمان دهند که در رقابت با گروه‌های دیگر که دارای همان هدف‌اند به جلب افراد بپردازند. پیروزی در این وضعیت رقابتی متضمن عقلانی کردن، بوروکراتیک کردن ساختارهای مذهبی اجتماعی است. گسترش ساختارهای بوروکراسی در نهادهای مذهبی موجب می‌شود که همه نهادهای مذهبی، قطع نظر از سنت‌های اعتقادی متفاوت‌شان، از لحاظ اجتماعی شبیه به یکدیگر گردند. وضعیت تکثرگرا همکاری دوستانه فزاینده بین گروه‌های مذهبی در این بازار مذهبی را ایجاد می‌کند. این قربت‌ها باعث می‌شود که رقبای مذهبی دیگر «دشمن» به‌شمار نیایند، بل هم‌قطارانی با مسائل یکسان تلقی گردند (همان: ۴۱-۱۳۳).

بدین ترتیب، انسان به‌طور ذهنی در زندگی روزمره دربارهٔ امور مذهبی به عدم یقین گراییده است، زیرا در زندگی روزمره به‌طور عینی با تنوع گستردهٔ مذهب و سایر عوامل تعریف‌کنندهٔ واقعیت مواجه است که با وفاداری یا دست‌کم توجه‌اش رقابت می‌کنند و هیچ‌کدام در موضعی نیستند که وی را به وفاداری وادارند: «ما در بازار جهان‌بینی‌هایی زندگی می‌کنیم که با هم رقابت می‌کنند. در این اوضاع و احوال حفظ امور مسلم که ورای ضرورت‌های تجربی کارکرد جامعه و فرد است بس دشوار است. از آن‌جا که دین اساساً مبتنی بر امور مسلم ماورالطبیعه است، وضعیت تکثرگرا وضعیتی سکولارکننده [افراد] است» (برگر، ۱۹۷۹: ۲۱۳). کوتاه سخن، تکثرگرایی که پیامد مدرنیزاسیون است اعتقادات راسخ را سست و متزلزل می‌کند و به‌طور اجتناب‌ناپذیری به سکولاریزاسیون ذهنیت (سکولاریزاسیون افراد) می‌کشد.

نظریهٔ سکولارزدایی

برگر از سال ۱۹۷۴ در نظریهٔ اولش مبتنی بر این‌که مدرنیته دین را تضعیف می‌کند تردید می‌کند: «چندی است بدین نتیجه رسیده‌ام که بسیاری از صاحب‌نظران حوزهٔ دین (از جمله خودم) هم دربارهٔ میزان سکولاریزاسیون و هم دربارهٔ برگشت‌ناپذیری آن اغراق کرده‌ایم» (برگر، ۱۹۷۴: ۱۶ به نقل از برگر، ۲۰۰۱: ۸۷). براس دلایل این تردید برگر را رشد محافظه‌کاری و کلیسای انجیلی در ایالات متحده، افول کلیسای لیبرال، تداوم گرایش به دین در کشورهای غربی

و حیات دین در سایر کشورهای جهان می‌داند (بروس، ۲۰۰۱: ۸۹). در اواخر دههٔ نود، برگر دیگر به رد نظریهٔ سکولاریزاسیون می‌رسد: «بزرگ‌ترین اشتباه من و دیگرانی که در دههٔ پنجاه و شصت در این زمینه کار می‌کردند این بود که تصور می‌کردیم مدرنیته لزوماً به افول مذهب می‌کشد» (برگر، ۱۹۹۸: ۷۸۲ به نقل از بروس، ۲۰۰۱: ۸۷).

برگر تحت عنوان سکولارزدایی جهان (برگر، ۱۹۹۹) به رد نظریهٔ سکولاریزاسیون پرداخته و استدلال می‌کند که این فرض که در جهانی سکولار به سر می‌بریم غلط است. «دنیای امروز به جز مواردی به اندازهٔ گذشته مذهبی است و در جاهایی هم مذهبی‌تر از گذشته است» (برگر، ۱۹۹۹: ۲).^۱ به نظر وی، گو این‌که اصطلاح «نظریهٔ سکولاریزاسیون» مربوط به آثار دههٔ پنجاه و شصت است، در واقع اندیشهٔ اصلی این نظریه را می‌توان در عصر روشنگری پیدا کرد که نظر ساده‌ای است: مدرنیزاسیون لزوماً به افول دین هم در جامعه و هم در ذهنیت افراد می‌کشد. و دقیقاً همین اندیشهٔ اصلی است که غلط از آب درآمده است. بی‌شک مدرنیزاسیون تأثیرات سکولارکننده‌ای داشته است که در برخی جاها بیش از جاهای دیگر بوده است. اما جنبش‌های ضدسکولار نیرومندی را هم ایجاد کرده است. همچنین سکولاریزاسیون در سطح جامعه لزوماً به سکولاریزاسیون در سطح ذهنیت افراد نمی‌کشد (همان: ۲-۳).

برگر طرد و سازگاری را دو استراتژی می‌داند که در برابر اجتماعات مذهبی در جهانی که سکولار تصور می‌شود وجود دارد: «برخی مدرنیته را دشمنی تلقی کرده‌اند که هر جا که پا داد باید با آن مبارزه کرد. برعکس، برخی دیگر مدرنیته را نوعی جهان‌بینی شکست‌ناپذیر به‌شمار آورده‌اند که اعتقادات و اعمال مذهبی باید خود را با آن وفق دهد» (همان: ۳). به نظر برگر، در صحنهٔ بین‌المللی دین، این جنبش‌های محافظه‌کار، ارتدوکس یا سنتی‌اند که تقریباً در همه‌جا سر برمی‌آورند. این جنبش‌ها دقیقاً جنبش‌هایی‌اند که سازش با مدرنیتهٔ مورد نظر روشنفکران مرفقی را رد می‌کنند. در عوض جنبش‌ها و نهادهای مذهبی که تلاش فراوانی برای انطباق با مدرنیتهٔ متصور انجام داده‌اند، تقریباً در همه‌جا رو به افول‌اند (همان: ۶). از این رو، «این تحولات روی هم‌رفته مبین غلط بودن این نظرند که مدرنیزاسیون و سکولاریزاسیون پدیده‌هایی به هم پیوسته‌اند. حداقل مبین آنند که سکولارزدایی دست‌کم به اندازهٔ سکولاریزاسیون پدیده‌ای مهم در دنیای معاصر است» (همان: ۶). مدرنیته به دلایل کاملاً قابل فهمی همهٔ یقینات قدیمی را متزلزل ساخته است؛ شک و وضعیتی است که تحمل آن برای بسیاری از مردم سخت است؛ لاجرم هر جنبشی (و نه تنها جنبش‌های مذهبی) که نویدبخش

۱. ویراست اولیهٔ این مقاله را سراج‌زاده به فارسی ترجمه کرده است (رک. سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۲-۵۶).

ارائه یقین یا تجدید یقین باشد بازار حاضر و آماده‌ای دارد (همان: ۷).
 با وجود این، برگر برای قضیه سکولاریزادیی دو استثنا قائل است. یکی اروپاست: «به‌ویژه اروپای غربی... که به‌نظر می‌رسد نظریه قدیمی سکولاریزاسیون در آن‌جا صدق می‌کند» (همان: ۹).
 استثنای دیگر وجود یک خرده‌فرهنگ بین‌المللی واقعاً سکولار است که حاملان آن کسانی‌اند با تحصیلات عالی نوع غربی، خاصه در علوم انسانی و علوم اجتماعی. این خرده‌فرهنگ حامل اصلی ارزش‌ها و اعتقادات مترقی و اعتقادات عصر روشنگری است. با این‌که حاملان این خرده‌فرهنگ نسبتاً اندک‌اند، اما بسیار بانفوذند، چه نهادهای تعریف‌کننده رسمی واقعیت عمدتاً نظام آموزشی، رسانه‌های ارتباطات جمعی و رده‌های عالی نظام حقوقی را در اختیار دارند (همان: ۱۰).
 برگر یکی از عوامل گسترش جنبش‌های مذهبی در جهان را مخالفت توده‌های مردم با همین خرده‌فرهنگ بین‌المللی سکولار و حاملان آن می‌داند: «در کشورها جنبش‌های مذهبی خصالتی سخت توده‌ای دارند. این جنبش‌ها ورای انگیزه‌های ناب مذهبی‌شان جنبش‌های اعتراض بر ضد نخبگان سکولار و ایستادگی در برابر آن‌هاست» (همان: ۱۱).

با این‌همه، برگر کماکان بر نقش تکثرگرایی در سکولاریزاسیون افراد، ولو با تعدیلی در آن تأکید می‌کند، زیرا معتقد است، «مدرنیزاسیون جوامعی بس نامتجانس و جهش میان‌فرهنگی بزرگی پدید آورده است که دو عاملی‌اند که در جهت تکثرگرایی‌اند و نه استقرار (یا استقرار مجدد) انحصارات مذهبی» (برگر، ۱۹۹۹: ۴). وی معتقد است اگر درباره سکولاریزاسیون بر خطا بوده، اما نظرش در مورد تکثرگرایی درست بوده و فقط رابطه این دو را خوب تشخیص نداده است. به نظر وی، تکثرگرایی لزوماً منجر به سکولاریزاسیون افراد نمی‌شود، اما کاری که تکثرگرایی می‌کند (و در این مورد خود را محق می‌داند) این است که همه امور مسلم در مذهب را مانند سایر قلمروهای حیات سست می‌کند: «می‌توان اعتقادات را حفظ کرد و با آن‌ها زندگی کرد، ولو آن‌که دیگر یقینی استوار به آن نداشت. به‌عبارت دیگر، حالا می‌گوییم که تکثرگرایی بر نحوه ایمان مذهبی اثر می‌گذارد، اما نه لزوماً بر مضمون آن» (برگر، ۱۹۴: ۲۰۰۱).^۱

۱. برخی (مانند، وارنر، ۱۹۹۳) ادعان می‌کنند که نظریه برگر درباره رابطه تکثرگرایی با دین امروز به چنان موضوعی محوری در جامعه‌شناسی دین تبدیل شده که پارادایم جدیدی در جامعه‌شناسی دین شده است.

فرضیه‌ها

براساس نظریه متأخر پیتر برگر، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که اعتقادات بنیادی به دین عمومیت گسترده‌ای در جامعه دارد (فرضیه اول). به عبارت دیگر، اکثریت قریب به اتفاق جامعه ما به اصول دین (توحید، نبوت، معاد) معتقدند و افرادی که از لحاظ اعتقادی سکولارند (به اصول دین اعتقاد ندارند) بسیار اندک‌اند.

از نظر پیتر برگر، که علم دیدگاهی کاملاً سکولار درباره جهان است و همین‌طور از تأکید وی بر وجود یک خرده‌فرهنگ سکولار در تمام جهان در بین کسانی که تحصیلات عالی دارند، می‌توان انتظار داشت که عمومیت اعتقادات بنیادی به دین در بین دانش‌آموختگان و حاملان علم باید کمتر از عمومیت آن در بین بقیه مردم باشد. بنابراین، فرضیه دوم ما این است که افراد دارای تحصیلات عالی سکولارتر از بقیه مردم‌اند. به عبارت دیگر، آموزش عالی نقش سکولارکننده‌ای در افراد دارد.

از بحث پیتر برگر درباره گسترش تکثرگرایی در جوامع معاصر و مواجهه افراد در زندگی روزمره با تنوع گسترده مذهب و سایر عوامل تعریف‌کننده واقعیت که آدمی را به عدم یقین درباره امور مذهبی سوق می‌دهد، می‌توان استنباط کرد که در بین مردم نسبت به انجام دادن فرایض دینی تساهل وجود دارد (فرضیه سوم). به عبارت دیگر، افراد تقید شدیدی به انجام دادن فرایض و مناسک دینی ندارند. و باز براساس همان استدلال فرضیه دوم می‌توان انتظار داشت که تساهل در اعمال دینی در بین تحصیل‌کرده‌ها (افراد دارای تحصیلات عالی) بیشتر است (فرضیه چهارم).

روش‌شناسی

برای آزمون تجربی فرضیه‌های فوق عمده‌تاً به داده‌های پیمایش «بررسی تغییر نگرش‌ها و رفتارهای دینی جوانان» (آزادارمکی و زارع ۱۳۸۴) استناد خواهیم کرد که مبتنی بر نمونه‌ای معرف (احتمالی) از دانشجویان دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۸۳-۸۴ و نمونه‌ای از جوانان ساکن تهران تقریباً هم‌سن آنها (افراد ۱۸ تا ۲۹ ساله) است^۱ که فاقد تحصیلات عالی‌اند.

از این گذشته، از پیمایش «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» که پیمایشی ملی با نمونه

۱. دانشجویان براساس نمونه‌گیری تصادفی ساده طبقه‌بندی به حجم ۲۴۲ نفر از بین کل دانشجویان دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۸۳-۸۴ و غیر دانشجویان با نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای به حجم ۱۷۶ نفر از کل افراد ۱۸ تا ۲۸ ساله ساکن تهران در همان سال انتخاب شده‌اند.

احتمالی بزرگی از ساکنان شهرهای مرکزی کشور است و بخشی از آن را سؤالات مربوط به حوزه دین تشکیل می‌دهد^۱ نیز سود خواهیم جست و آن‌جا که داده‌های قابل قیاسی با داده‌های پیمایش «بررسی تغییر نگرش‌ها و رفتارهای دینی جوانان» وجود داشت به آن استناد خواهیم کرد. تمسک به این پیمایش از آنرو حائز اهمیت است که دارای نمونه بزرگ و بسیار معرفی از آحاد مختلف مردم است و قابلیت بررسی فرضیه‌های ما در بخش بزرگی از جمعیت (ساکنان مرکز استان‌ها) بالاست. اما، در بررسی این پیمایش، کارمان محدود به بررسی داده‌های منتشر شده است و فقط امکان مقایسه دارندگان تحصیلات عالی با کل مردم (که از جمله شامل خود دارندگان تحصیلات عالی است) فراهم است و لاجرم چون امکان کنترل متغیرهای زمینه‌ای چون سن، جنس و مذهب که چه‌بسا بر رابطه بین سکولاریسم و آموزش عالی مؤثر باشد وجود ندارد بررسی رابطه مذکور بسیار کلی و با عدم قطعیت همراه خواهد بود.

همان‌طور که از فرضیه‌ها پیداست، ما در این مقاله بررسی سکولاریزاسیون را محدود به بعد ذهنی آن، یعنی سکولاریزاسیون افراد کرده‌ایم، چه بررسی سکولاریزاسیون نهادی خود موضوعی گسترده است. سکولاریزاسیون ذهنی را هم همان‌طور که برگر تعریف می‌کند، بی‌اعتقادی فرد به دین و انجام دادن اعمال و رفتارهای دینی و تمسک نجستن فرد به تعبیر مذهبی در نگرش‌های خود می‌دانیم^۲. از این گذشته، بررسی خود را به ابعاد اصلی دین محدود می‌کنیم^۳ و با توجه به این‌که اکثریت قریب به اتفاق مردم جامعه ما مسلمان‌اند از منظر اسلام این ابعاد را عنوان می‌کنیم: اعتقادات بنیادی دینی (اصول دین)، فرایض دینی (فروع دین) و مناسک دینی. از این‌رو، تحلیل ما فقط داده‌های مربوط به جوانان مسلمان پیمایش «بررسی تغییر نگرش‌ها و رفتارهای دینی جوانان» را دربر خواهد گرفت که اکثر قریب به اتفاق (حدود ۹۵ درصد) افراد این پیمایش را تشکیل می‌دهند (جدول ۱).

۱. پیمایش «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» مبتنی بر نمونه احتمالی خوشه‌ای چند مرحله‌ای به حجم حدود ۴۵۰۰ نفر است که در سال ۱۳۸۲ از بین ساکنان ۱۵ ساله و به بالای مرکز استان‌های کشور انتخاب شده‌اند.

۲. در مورد تعاریف مختلف از سکولاریسم و تاریخچه‌ای از کاربرد آن رک. شاینر، ۱۹۶۶؛ همیلتون ۱۳۸۱؛ رابرتسون، ۱۹۷۰).

۳. بحث درباره ابعاد دین و نحوه عملیاتی کردن آن خود یکی از موضوعات گسترده در حوزه جامعه‌شناسی دین است. (به‌عنوان مثال بنگرید به: سراج‌زاده ۱۳۸۳؛ شجاعی‌زند ۱۳۸۴؛ گلاک و استارک، ۱۹۶۵).

جدول شماره ۱. توزیع نسبی مذهب (برحسب درصد)

تعداد	کل	نامشخص	سایر	سنی	شیعه	
۲۴۲	۱۰۰/۰	۴/۶	۲/۵	۴/۵	۸۸/۴	دانشجو
۱۷۶	۱۰۰/۰	۲/۳	۰/۶	۱/۱	۹۶/۰	غیردانشجو
۴۱۸	۱۰۰/۰	۲/۶	۱/۷	۲/۱	۹۱/۶	کل

معرف‌های دینداری مورد بررسی در این مقاله نیز یا تک‌گویه هستند یا شاخص‌هایی مرکب از چند گویه. این معرف‌ها به صورت پیوستاری‌اند که یک قطب آن مبین دینداری کامل (فقدان سکولاریسم) است و قطب دیگر آن مبین دینداری کم یا فقدان آن (سکولاریسم). برای اجتناب از مکررگویی و اطالۀ کلام، این معرف‌ها در ارائه و تحلیل یافته‌ها مطرح خواهند شد.

یافته‌ها

اعتقادات بنیادی

به مضمون چهار گویه‌ای (پرسشی) که مبین اعتقادات بنیادی به دین (اصول دین) است اکثریت قریب به اتفاق جوانان اعتقاد دارند (رک. جدول ۲) و فقط بخش کوچکی (حدود ۵ الی ۸ درصد) از آن‌ها اعتقاد چندانی ندارند (مخالف‌اند) یا اصلاً اعتقادی ندارند (کاملاً مخالف‌اند). به عبارت دیگر، دینداری در بعد اعتقادی عمومیت بسیار گسترده‌ای در بین جوانان دارد و در این زمینه فقط بخش بسیار کوچکی از آن‌ها را می‌توان سکولار به‌شمار آورد. این یافته فرضیه اول ما (اعتقادات بنیادی به دین عمومیت گسترده‌ای در جامعه دارد) را تأیید می‌کند.

در شاخص اعتقادات بنیادی، که میانگین چهارگویه فوق است و نمره ۱ به معنای فقدان اعتقاد بنیادی (سکولار بودن) و نمره ۵ مبین اعتقاد کامل است^۱، میانگین نمره دانشجویان ۴/۲۸ است که کمی کمتر از میانگین نمره غیردانشجویان است (جدول ۳). به عبارت دیگر، با این‌که اعتقادات بنیادی در بین همه جوانان بسیار عمومیت دارد، میزان عمومیت آن در بین

۱. متغیرها (گویه‌ها) در این تحلیل عمدتاً در سطح ترتیبی‌اند اما آن‌ها را فاصله‌ای در نظر گرفته‌ایم تا بتوانیم با احتساب میانگین مجموعه‌ای از گویه‌های مربوط به یک بعد یا یک مضمون کلی، مقایسه دانشجویان و غیر دانشجویان ساده و مختصر گردد، چه مقایسه این دو گروه در تک‌تک گویه‌ها به صورت مقایسه درصدها، تفاوت چندانی با مقایسه میانگین مجموعه گویه‌های هم‌مضمون ندارد (این نکته‌ای است که روش‌شناسان هم بدان اذغان دارند - نگاه کنید به (بورگاتا و بورتشست، ۱۹۸۰: ۱۵۵-۱۶۰).

دانشجویان اندکی و فقط اندکی کمتر از غیر دانشجویان است که تا حدی مبین تأیید فرضیه دوم (افراد برخوردار از تحصیلات عالی سکولارتر از بقیه مردم‌اند) است.

جدول شماره ۲. توزیع نسبی اعتقادات بنیادی (برحسب درصد)

گویه	کاملاً مخالف	مخالف	بی‌نظر	کاملاً موافق	موافق	کل	تعداد
بدون پرستش خدا زندگی معنا و مفهومی ندارد	۴/۵	۳/۵	۵/۶	۲۲/۰	۶۴/۴	۱۰۰/۰	۳۹۶
قرآن کلام خداست و هرچه می‌گوید حقیقت محض است	۲/۰	۲/۸	۱۵/۹	۱۹/۲	۶۰/۱	۱۰۰/۰	۳۹۶
به معاد و روز قیامت اعتقاد دارم	۲/۵	۲/۵	۵/۸	۲۴/۲	۶۵/۰	۱۰۰/۰	۳۹۶
من به بهشت و جهنم اعتقاد دارم	۲/۸	۳/۰	۱۰/۱	۲۶/۸	۵۷/۳	۱۰۰/۰	۳۹۶

جدول شماره ۳. میانگین شاخص اعتقادات بنیادی

میانگین	تعداد	انحراف استاندارد
۴/۲۸	۲۲۵	۰/۹۰۱
۴/۵۰	۱۷۱	۰/۵۸۳
۴/۳۷	۳۹۶	۰/۷۸۶
Sig = ۰/۰۰۶۰		F = ۷/۵۰۴
= ۰/۸۲ آلفای کرونباخ		

همین الگو کم و بیش در عموم مردم (ساکنان شهرهای مرکزی) نیز صدق می‌کند: ضمن آن‌که در بین عموم مردم اعتقاد بسیار وسیعی به معاد وجود دارد، میزان این اعتقاد در بین افراد دارای تحصیلات عالی اندکی کمتر است (جدول ۴).

جدول شماره ۴. توزیع نسبی اعتقاد به معاد (بر حسب درصد)

(شما با این عقیده که اعمال خوب و بد انسان در آخرت محاسبه می‌شود موافقید یا مخالف؟)

مخالف	مردد	موافق	کل
۲	۳	۹۵	۱۰۰
۴	۵	۹۱	۱۰۰

اقتباس: ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ص ۱۴۰ و ۱۴۵

اعمال دینی

فرائض دینی

گویه «من تلاش می‌کنم تا همه محرمات و واجبات را رعایت کنم» را چنانچه مبین میزان ادای فرائض دینی افراد در نظر بگیریم، مشاهده می‌شود (رک. جدول ۵) که ادای فرائض دینی نیز در بین جوانان عمومیت گسترده‌ای دارد؛ فقط حدود ۱۰ درصد جوانان برای رعایت همه محرمات و واجبات تلاش نمی‌کنند. با این همه، عمومیت ادای فرائض دینی از عمومیت اعتقادات بنیادی به دین کمتر است. همچنین عمومیت آن در بین دانشجویان نیز کمتر از غیر دانشجویان است.

جدول شماره ۵. توزیع نسبی ادای فرائض دینی (برحسب درصد)

(من تلاش می‌کنم تا همه محرمات و واجبات را رعایت کنم)

تعداد	کل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	اصلاً	
۲۲۰	۱۰۰/۰	۵/۹	۱۸/۶	۳۴/۵	۱۵/۰	۱۱/۸	۱۴/۱	دانشجو
۱۶۸	۱۰۰/۰	۱۴/۹	۱۵/۵	۳۸/۱	۱۱/۳	۱۴/۹	۵/۴	غیردانشجو
۳۸۸	۱۰۰/۰	۹/۸	۱۷/۳	۳۶/۱	۱۳/۴	۱۳/۱	۱۰/۳	کل

$$\text{Sig} = ۰/۰۰۴ \quad \text{df} = ۵ \quad \chi^2 ۱۷/۴۰۹$$

مناسک دینی

انجام دادن مناسک دینی نیز در بین جوانان عمومیت دارد هر چند در مجموع، عمومیت آن از به جا آوردن فرائض دینی کمتر است (جدول ۶ و ۷). در مناسک دینی فردی، عمومیت استخاره کردن از همه کمتر و عمومیت نذر کردن از همه بیشتر است (جدول ۶). در مناسک دینی جمعی عمومیت شرکت در مراسم تاسوعا و عاشورا از همه بیشتر و شرکت در اعیاد مذهبی در مساجد و تکیه‌ها از همه کمتر است (جدول ۷).

جدول شماره ۶. توزیع نسبی مناسک دینی فردی (برحسب درصد)

تعداد	کل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	اصلاً	
۳۸۹	۱۰۰/۰	۵/۷	۱۰/۸	۱۳/۶	۱۵/۴	۲۱/۹	۳۲/۶	چقدر استخاره می‌کنید؟
۳۹۰	۱۰۰/۰	۱۴/۴	۲۵/۴	۲۶/۷	۱۳/۶	۱۱/۳	۸/۷	چقدر نذر می‌کنید؟
۳۹۰	۱۰۰/۰	۷/۲	۱۵/۱	۳۴/۴	۱۳/۶	۱۷/۲	۱۲/۶	زیارت اماکن متبرکه؟

جدول شماره ۷. توزیع نسبی مناسک دینی جمعی (برحسب درصد)

شركت در:	اصلاً	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کل	تعداد
مراسم تاسوعا و عاشورا	۱۱/۷	۸/۰	۷/۸	۱۶/۳	۲۳/۲	۳۲/۹	۱۰۰/۰	۳۸۶
مراسم روزه و عزاداری	۲۳/۸	۱۵/۱	۱۰/۷	۲۸/۹	۱۲/۳	۹/۲	۱۰۰/۰	۳۹۱
اعیاد مذهبی در مساجد و تکیه‌ها	۳۴/۰	۱۷/۵	۱۰/۲	۱۶/۸	۱۲/۶	۸/۹	۱۰۰/۰	۳۸۲

در انجام دادن مناسک دینی نیز کماکان میزان عمومیت آن در بین دانشجویان کمتر از غیر دانشجویان است: در شاخص مناسک دینی فردی که میانگین سه گویه تشکیل دهنده آن است و نمره ۱ بدان معناست که فرد هیچ‌یک از سه مناسک فوق (استخاره کردن، نذر کردن و زیارت اماکن متبرکه) را اصلاً انجام نمی‌دهد و نمره ۵ مبین آن است که هر سه مناسک را خیلی زیاد به جا می‌آورد، میانگین نمره دانشجویان ۳/۰۸ و غیردانشجویان ۳/۶۶ است (جدول ۸)؛ همین‌طور، میانگین شاخص مناسک دینی جمعی در بین دانشجویان ۳/۰۲ و در بین غیر دانشجویان ۳/۹۷ است (جدول ۹).

جدول شماره ۸. میانگین شاخص مناسک دینی فردی

میانگین	تعداد	انحراف استاندارد
۳/۰۸	۲۱۷	۱/۱۰۰
۳/۶۶	۱۶۹	۱/۰۹۶
۳/۳۳	۳۸۶	۱/۱۳۳

Sig = ۰/۰۰۰

F = ۲۶/۰۸۸

۰/۶۲ = آلفای کرونباخ شاخص

جدول شماره ۹. میانگین شاخص مناسک دینی جمعی

میانگین	تعداد	انحراف استاندارد
۳/۰۲	۲۱۵	۱/۵۰۴
۳/۹۷	۱۶۳	۱/۲۸۵
۳/۴۳	۳۷۸	۱/۴۸۸

Sig = ۰/۰۰۰

F = ۴۱/۷۴۶

۰/۸۵ = آلفای کرونباخ شاخص

همین الگو کم و بیش در بین عموم مردم (ساکنان شهرهای مرکزی) نیز صدق می‌کند:

سکولاریسم و رابطه آن با تحصیلات عالی

عمومیت استخاره کردن (جدول ۱۰)، زیارت اماکن متبرکه (جدول ۱۱)، شرکت در مراسم تاسوعا و عاشورا (جدول ۱۲) و شرکت در مجالس عزاداری و روضه (جدول ۱۳) در بین افراد دارای تحصیلات عالی اندکی کمتر است.

جدول شماره ۱۰. چقدر استخاره می‌کنید؟

کل	اکثر اوقات	گاهی	به ندرت	
۱۰۰	۲۵	۲۷	۴۸	کل مردم
۱۰۰	۲۳	۲۵	۵۲	افراد دارای تحصیلات عالی

اقتباس: ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ص ۱۴۳ و ۱۵۱

جدول شماره ۱۱. چقدر به اماکن متبرکه می‌روید؟

کل	اکثر اوقات	گاهی	به ندرت	
۱۰۰	۳۵	۴۲	۲۳	کل مردم
۱۰۰	۳۰	۴۶	۲۴	افراد دارای تحصیلات عالی

اقتباس: ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ص ۱۴۳ و ۱۴۹

جدول شماره ۱۲. چقدر در عزاداری تاسوعا و عاشورا شرکت می‌کنید؟

کل	اکثر اوقات	گاهی	به ندرت	
۱۰۰	۸۰	۱۳	۷	کل مردم
۱۰۰	۷۱	۱۶	۱۳	افراد دارای تحصیلات عالی

اقتباس: ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ص ۱۴۳ و ۱۵۰

جدول شماره ۱۳. چقدر در مجالس عزاداری و روضه شرکت می‌کنید؟

کل	اکثر اوقات	گاهی	به ندرت	
۱۰۰	۳۶	۳۸	۲۶	کل مردم
۱۰۰	۲۵	۴۳	۳۲	افراد دارای تحصیلات عالی

اقتباس: ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ص ۱۴۳ و ۱۴۸

خلاصه، این یافته‌ها مبین آن است که اعمال دینی (ادای فرایض دینی و مناسک دینی) در بین مردم عمومیت دارد، اما عمومیت آن خاصه در مناسک دینی کمتر از عمومیت اعتقادات بنیادی به دین است. این یافته‌ها می‌تواند تا حدی تأییدی بر فرضیه سوم (در بین مردم نسبت به انجام دادن اعمال دینی تساهل وجود دارد) باشد. البته تأیید این فرضیه به خودی خود نمی‌تواند تأییدی بر این نظر برگر باشد که عامل این تساهل در اعمال مذهبی، تکثرگرایی در جوامع معاصر است، مگر این‌که بتوان نشان داد که تساهل در اعمال مذهبی نسبت به گذشته بیشتر شده است. در این زمینه، معدود پیمایش‌های ملی مربوط به دینداری مردم که در مقاطع زمانی متفاوتی اجرا شده است، مبین چنین روندی است. معیدفر و نصرتی‌نژاد (۱۳۸۴) در مقایسه اعمال دینی مردم (شرکت در نماز جماعت، نماز جمعه، مراسم عزاداری و روضه‌خوانی، و هیئت‌های مذهبی) در سه پیمایشی که در سال ۱۳۷۴ (محسنی ۱۳۷۵) و سال ۱۳۷۸ (ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان ۱۳۸۰) و سال ۱۳۸۲ (ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان ۱۳۸۲) صورت گرفته است، به این نتیجه می‌رسند: «در کل روند جامعه به سوی کم‌رنگ شدن ابعاد مناسک دینی است. افراد در سال‌های اخیر اعلام کرده‌اند که کمتر در این مناسک شرکت می‌کنند، حال آن‌که در پژوهش‌های مربوط به سال‌های قبل، میزان شرکت آنان در این مناسک بیشتر بوده است» (معیدفر ۱۳۸۴: ۸۳).

همچنین یافته‌های فوق مبین آن است که اعمال دینی در بین دانشجویان و نیز افراد تحصیل‌کرده تا حدی کمتر از عمومیت آن در بین سایرین است که تأییدی بر فرضیه چهارم (تساهل در اعمال دینی در بین تحصیل‌کرده‌ها بیشتر است) می‌باشد.

جدول شماره ۱۴. میانگین شاخص مناسک دینی جمعی برحسب تحصیلات پدر

تحصیلات پدر	میانگین	تعداد	انحراف استاندارد
دیپلم یا کمتر	دانشجو	۱۲۰	۱/۴۸۱
	غیردانشجو	۱۳۰	۱/۲۷۹
	کل	۲۵۰	۱/۴۳۹
عالی	دانشجو	۹۵	۱/۵۰۶
	غیردانشجو	۳۳	۱/۲۸۷
	کل	۱۲۸	۱/۵۰۰
کل	دانشجو	۲۱۵	۱/۵۰۴
	غیردانشجو	۱۶۳	۱/۲۸۵
	کل	۳۷۸	۱/۴۸۸
		$F = ۱۵/۶۰۸$	$Sig = .۰۰۰$

کنترل متغیرهای زمینه‌ای

در رابطه بین تحصیلات عالی و سکولاریسم، جنسیت جوانان یا رشته تحصیلی آنان نقشی ندارد؛ به عبارت دیگر نقش ضعیف تحصیلات عالی در سکولار کردن افراد چه در بین زنان و چه در بین مردان و همین‌طور در بین رشته‌های مختلف تحصیلی کم و بیش یکی است. با این‌همه، تحصیلات والدین مانند خود تحصیلات افراد، نقش کوچکی در سکولاریسم افراد دارد: عمومیت ابعاد دین در بین افرادی که والدین‌شان (پدر یا مادر یا هر دو) دارای تحصیلات عالی‌اند اندکی کمتر از افرادی است که والدین‌شان دارای تحصیلات عالی نیستند، ضمن این‌که الگوی فوق‌الذکر رابطه تحصیلات عالی با سکولاریسم در هر دو دسته کماکان به قوت خود باقی است (به‌عنوان مثال، نگاه کنید به جدول ۱۴).^۱

نتیجه‌گیری

پیتر برگر از نظریه‌پردازان عمده در حوزه دین در دهه هفتاد با نظریه سکولاریزاسیون خود مدعی بود که مدرنیزاسیون لزوماً به سکولاریزاسیون (جدایی حوزه‌های جامعه از حوزه دین و افول دین در ذهنیت افراد) می‌کشد. چند دهه بعد به دنبال خیزش جنبش‌های مذهبی در سراسر جهان، وی با چرخش کامل از نظریه اولیه خود و رد آن به نظریه سکولارزدایی روی می‌آورد که جهان معاصر را جز مواردی معدود (اروپای غربی و قشر کوچکی از تحصیل‌کردگان در سراسر جهان) همچون گذشته جهانی مذهبی می‌داند. داده‌های تجربی ما نیز مؤید همین نظر در جامعه ایران است: اعتقادات بنیادی به دین (اصول دین: توحید، نبوت و معاد) عمومیت بسیار گسترده‌ای در بین جوانان و عموم مردم جامعه ما دارد.

با این‌همه، برگر معتقد است که مدرنیزاسیون منجر به زدودن انحصار مذهبی و گسترش تکثرگرایی در جوامع معاصر شده است که پیامد آن تساهل در اعمال دینی (عدم تقید شدید افراد به انجام دادن فرایض و مناسک دینی) است. داده‌های تجربی نیز تا حدی همین نظر است: اعمال دینی (ادای فرایض و مناسک دینی) با این‌که در بین عموم عمومیت دارد، اما عمومیت آن کمتر از اعتقاد بنیادی به دین است و نسبت به گذشته نیز کمتر شده است.

از این گذشته، پیتر برگر معتقد است که علم دیدگاهی کاملاً سکولار است و خرده‌فرهنگ بین‌المللی سکولاری در بین قشر کوچکی از تحصیل‌کردگان در سراسر جهان وجود دارد که نتیجه منطقی این نظر برگر این است که تحصیلات عالی نقش سکولارکننده‌ای در افراد

۱. ارائه این متغیرهای زمینه‌ای (جنس، رشته تحصیلی سن و تحصیلات والدین) به دلیل محدود بودن متغیرهای زمینه‌ای پیمایش مورد بررسی به این متغیرهاست.

دارد. داده‌های تجربی تا حدی مبین این فرضیه است. عمومیت ابعاد دین (اعتقادات بنیادی و اعمال دینی) در بین دانشجویان و نیز افراد تحصیل‌کرده تا حدی کمتر است. در نتیجه می‌توان گفت تحصیلات عالی نقشی در سکولارکردن افراد دارد، اما این نقش بسیار کم است؛ فقط بخش کوچکی از کسانی که از تحصیلات عالی برخوردارند سکولارزند. به عبارت دیگر، ابعاد دین در بین افراد جامعه چنان عمومیت گسترده‌ای دارد که حتی علم به عنوان دیدگاهی کاملاً سکولار (دست‌کم از دید برگر) درباره جهان نقش اندکی در سکولاریزاسیون ذهنیت (افراد) دارد.

منابع

- ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج اول، ویرایش اول) (۱۳۸۰) تهران: دفتر انتشارات طرح‌های ملی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم، ویرایش اول) (۱۳۸۲) تهران: دفتر انتشارات طرح‌های ملی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آزادارمکی، تقی و مریم زارع (۱۳۸۴) «بررسی تغییر نگرش‌ها و رفتارهای دینی جوانان»، تهران: معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳) *صور بنیادی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- سراج‌زاده، سید حسین (۱۳۸۳) *چالش‌های دین و مدرنیته*. تهران: طرح نو.
- شاینر، لاری (۱۹۶۶) «مفهوم سکولار شدن در پژوهش‌های تجربی»، در *چالش‌های دین و مدرنیته*، ترجمه سید حسین سراج‌زاده، تهران: طرح نو، ۱۳۸۳: ۱۷-۴۱.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴) «مدلی برای سنجش دینداری در ایران». *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۱: ۳۴-۶۶.
- کاظمی‌پور، عبدالمحمد (۱۳۸۲) *باورها و رفتارهای مذهبی در ایران*، انتشارات طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۵) *بررسی نگرش‌ها و رفتارهای فرهنگی در ایران*، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معیدفر، سعید، فرهاد نصرتی‌نژاد (۱۳۸۴) *دانشگاه و دگرگونی ارزش‌ها*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- همیلتون، ملکم (۱۳۸۱) *جامعه‌شناسی دین*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- وبر، ماکس (۱۳۷۱) *اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری*. ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

Berger, Peter L. and Thomas Luckmann (1966). *The Social Construction of Reality: A*

- Treatise in Sociology of Knowledge*. Harmondsworth: Penguin Books.
- Berger, Peter L. (1967). *Sacred Canopy: Element of A Sociological Theory of Religion*. New York: Doubleday.
- _____ (1974). *Religion in a Revolutionary Society*. Washington, D. C: American Enterprise Institute for Public Policy Research.
- _____ (1979). *Facing up to Modernity*. Harmondsworth: Penguin Books.
- _____ (1998). "Protestantism and the Quest of Certainty". *The Christian Century*, 26 August- 2 September 2, pp. 782-96.
- _____ (1999) *The Desecularization of the World: A Global Overview*. in *The Desecularization of the World: Resurgent Religion and World Politics*, edited by Peter L. Berger, Washington, D. C Ethic and Public Policy Center.
- _____ (2001) Postscript, in *Peter Berger and the Study of Religion*, edited by Linda Woodhead, Paul Heelas and David Martin, New York: Routledge.
- Borgatta, Edgar F. and George W. Bohrnstedt (1980). "Levels of Measurement: Over Again". *Sociological Methods and Research*. 9: 147-160.
- Bruce, Steve (2001). "The curious of the unnecessary recantation: Berger and secularization", in *Peter Berger and the Study of Religion*, edited by Linda Woodhead, Paul Heelas and David Martin, New York: Routledge.
- Cambell, C. (1971). *Toward a Sociology of Irreligion*. London: Macmillan.
- Casanova, Jose (1994). *Public Religious in the Modern World*, Chicago: the University of Chicago Press.
- Glock, Charles Y. and Rodney Stark (1965). *Religion and Society in Tension*. Chicago: Rand McNally & Company.
- Robertson, R. (1970). *The Sociological Interpretation of Religion*. Oxford: Blackwell.
- Warner, R. Stephen (1993) "Work in Progress Towards a New Paradigm for the Sociological Study of Religion in the United States", *American Journal of Sociology* 98 (5) March, pp. 1044-93.
- Woodhead, Linda, Paul Heelas and David Martin (eds.) (2001). *Peter Berger and the Study of Religion*. New York: Routledge.

هوشنگ نایبی عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران است. حوزه آموزشی و پژوهشی ایشان آمار و روش تحقیق، آسیب‌های اجتماعی و قشربندی است. email: hnayebi@ut.ac.ir

تقی آزادارمکی عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران است. حوزه آموزشی و پژوهشی ایشان نظریه‌های جامعه‌شناسی، تغییرات فرهنگی، توسعه و مدرنیته است. email: Tazad@ut.ac.ir